

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم انسانی

گروه فلسفه

بررسی اصول منطقی در فلسفه‌ی لایب نیتس

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته‌ی فلسفه

مهسا ابراهیمی

استاد راهنما:

علی فتح طاهری

استاد مشاور:

سید مسعود سیف

دی ۱۳۹۲

الله أكبر

پدرم، مادرم و استاد ابراهیمی (باران) آن‌ها که در تمامی سخنان

سخت در کنارم بودند و گلشان را از من دریغ نکردند.

بالتقدیر و لشکر بسیار از زحمات استاد فرزانه

دکتر علی فتح طاهری

که اگر راه‌نمایی‌های ایشان نبود انجام این مهم مقدور نمی‌شد.



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم تاییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان نامه/رساله

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری..... به هیأت داوران.....
..... دانشجوی رشته..... فلسفه..... گرایش.....
تحت عنوان..... پرورشی، اصول، منطقی، در، فلسفه، لایب، نیتس..... در
تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۵ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان نامه/رساله با شماره به عدد.....۱۸..... و به حروف..... هجده..... با
درجه..... خوب..... مورد تایید هیأت داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					

* در صورت وجود استاد راهنمای دوم برای پایان نامه/ رساله، یک ردیف با عنوان استاد راهنمای دوم، ذیل ردیف استاد راهنما اضافه شود.

تذکر: این برگه پس از تکمیل توسط هیأت داوران، در پایان نامه/رساله درج می گردد.



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب...مهسا ابراهیمی...دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشتهفلسفه.....
گرایش..... که در تاریخ.....۹۲/۱/۱۵..... از پایان نامه ی خود تحت عنوان
.....پررسی اصول منطقی در فلسفه ی لایب نیتس.....
با کسب درجه یجووب..... دفاع کرده ام، شرعا و قانونا متعهد می شوم:

۱. مطالب مندرج در این پایان نامه، حاصل تحقیق و مطالعه اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و غیره استفاده کرده ام، با رعایت کامل امانت، مطابق مقررات، اقدام به ارجاع در متن و ذکر آن در فهرست منابع و مآخذ نموده ام.
۲. تمامی یا بخشی از این پایان نامه قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی به سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. مقالات مستخرج از این پایان نامه کاملا حاصل کار اینجانب بوده و از هرگونه جعل داده و یا تغییر اطلاعات پرهیز کرده ام.
۴. از ارسال همزمان و یا تکراری مقالات مستخرج از این پایان نامه (با بیش از ۳ درصد همپوشانی) به مجلات و یا همایش های گوناگون خودداری نموده و می نمایم.
۵. کلیه حقوق مادی و معنوی حاصل از این پایان نامه متعلق به دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) بوده و متعهد می شوم هرگونه بهره مندی و یا نشر دستاوردهای حاصل از این تحقیق اعم از چاپ کتاب، مقاله، ثبت اختراع و غیره (چه در زمان دانشجویی و یا بعد از فراغت از تحصیل) با کسب اجازه از استاد (استادان) راهنما باشد.
۶. در صورت اثبات تخلف و نقض موارد پنجگانه فوق (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) از درجه اعتبار ساقط و اینجانب هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء



سوگندنامه دانش آموختگان کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

به نام خدا

سپاس ایزد منان را که مرا مشمول الطاف خویش نمود که با طی مراحل تحصیل موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد شوم. به شکرانه این نعمت بزرگ الهی که با امکانات این مرز و بوم، فراهم و نزد اینجانب به امانت گذاشته شده است، در پیشگاه ملت ایران به کتاب آسمانی خود، قرآن کریم، سوگند یاد می کنم که:

- در سراسر زندگی حرفه ای، در راه اعتلای کشور ایران و جامعه بشری به نحو احسن قدم برداشته و در این راه از هیچ تلاشی دریغ ننمایم.
- در تمام فعالیت های تخصصی، رضای خدا را همراه با صداقت علمی و اجتماعی در نظر داشته و از موقعیت های به دست آمده در جهت رفع مشکلات جامعه استفاده کنم و در همه ی امور، منافع کشور را بر منافع فردی مقدم بدارم.
- همواره علم و دانش خود را به روز نگاه داشته و در ایفای مسئولیت و تعهدات حرفه ای در حد توان سعی و تلاش خود را به کار گیرم.
- و اینک از خداوند علیم توفیق بندگی و پای بندی به مفاد این سوگندنامه را خواستارم و از او می خواهم که مرا در ایفای رسالت علمی و انسانی خویش موفق بدارد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء



مهسا ابراهیمی

بررسی اصول منطقی در فلسفه‌ی لایب نیتس

مجوز بهره برداری از پایان نامه / رساله

کلیه حقوق اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و ... از نتایج این پایان نامه برای دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین محفوظ است. بهره برداری از این پایان نامه / رساله در چهارچوب مقررات کتابخانه و با توجه به محدودیتی که توسط استاد راهنما به شرح زیر تعیین می شود، بلامانع است:

- بهره برداری از این پایان نامه / رساله برای همگان بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه / رساله با اخذ مجوز از استاد راهنما، بلامانع است.
- بهره برداری از این پایان نامه / رساله تا تاریخ ممنوع است.

استاد راهنما می تواند یکی از گزینه های بالا را انتخاب کند و مسئولین کتابخانه موظف به رعایت موارد تعیین شده می باشد.

نام استاد و یا اساتید راهنما:

تاریخ:

امضاء:

چکیده

در فلسفه‌ی لایب نیتس به طور قطع جنبه‌ی منطقی بر دیگر جنبه‌ها غلبه دارد، و نظام فلسفی وی بر پایه‌ی همین منطق شکل می‌گیرد. او از شش اصل منطقی سخن گفته که این اصول در عین استقلال ارتباط وثیقی با هم دارند به طوری که برخی اصول قابل تحویل به اصول دیگر است. از میان این اصول دو اصل امتناع تناقض و اصل جهت کافی از اهمیت بیشتری برخوردارند، و در واقع بقیه اصول به نوعی به این دو اصل باز می‌گردند. اگر هر یک از این دو اصل را به تنهایی لحاظ کنیم در این صورت نمی‌توانیم به هدف و مقصود فلسفه‌ی لایب نیتس پی ببریم و فهم کلام او در گرو فهم ارتباط این دو اصل با یکدیگر است. اگرچه این دو اصل بنیاد فلسفه‌ی لایب نیتس را تشکیل داده است اما خود این دو اصل از اصل اشتغال یا اندراج محمول در موضوع نتیجه شده‌اند. اصل اشتغال را باید اصل اساسی فلسفه‌ی لایب نیتس تلقی کرد که اصول دیگر به نحو مستقیم یا غیرمستقیم از آن نتیجه می‌شود. اصل کمال، اصل این‌همانی‌تمایزناپذیرها و اصل اتصال سه اصل دیگر فلسفه‌ی لایب نیتس را تشکیل می‌دهد. در رساله حاضر اهمیت این اصول در نظام فلسفی لایب نیتس و ارتباط آنها با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: اصول منطقی، جهت کافی، امتناع تناقض، اشتغال، ممکن (به امکان خاص).

فهرست

فصل اول

کلیات

۴

۱-۱: مقدمه

۵

۲-۱: تفاسیر مختلف از فلسفه‌ی لایب نیتس

۹

۳-۱: جوهر، مفهوم و قضیه

۱۳

فصل دوم

اصول منطقی

۲۳

۱-۲: جایگاه اصول منطقی در فلسفه‌ی لایب نیتس

۲۴

۲-۲: اصل امتناع تناقض

۲۸

۳-۲: اصل جهت کافی

۳۲

۲-۳-۱: نسبت جهت کافی لایب نیتس با "علت" دکارت و اسپینوزا

۳۹

۲-۳-۲: مفهوم تحرک جوهر و ارتباط آن با اصل جهت کافی

۴۴

۲-۳-۳: آیا اصل جهت کافی نیازمند اثبات است؟

۴۶

۲-۳-۴: لایب نیتس و اصل بنیاد

۴۷

۲-۴: اصل اشتمال

۵۲

۲-۵: اصل کمال

۶۲

فهرست

۶۷	۲-۶: اصل این‌همانی نامتمايزان و اصل اتصال
	فصل سوم
۷۴	ارزیابی و نتیجه‌گیری
۷۵	۳-۱: انتقاد ولف بر اصول منطقی لایب نیتس
۷۶	۳-۲: ارزیابی
۹۰	۳-۳: نتیجه‌گیری
۹۵	منابع و مراجع

فصل اول

کلیات

۱-۱: مقدمه

گتفرید ویلهلم لایب نیتس^۱ فیلسوف آلمانی، یکی از چهره‌های برجسته‌ی عقل‌گرایی است که در سال ۱۶۴۶ میلادی دیده به جهان گشود. قرن هفده و هیجده میلادی که دوران زندگی او بود یکی از غنی‌ترین و فعال‌ترین دوره‌های تاریخ فلسفه به حساب می‌آید. لایب نیتس از جوانی به دلیل علاقه به فلسفه آثار فیلسوفان عصر جدید مثل فرانسیس بیکن و دکارت را می‌خواند و با بزرگان آن دوره از جمله اسپینوزا ملاقات داشت و با او به بحث درباره‌ی موضوعات مختلف فلسفی می‌نشست. او همچنین به مطالعه‌ی آثار هابز انگلیسی می‌پرداخت و فقط به مطالعه‌ی اندیشه‌های فیلسوفان عصر جدید اکتفا نمی‌کرد و برخلاف روح زمانه‌ی جدید و برخلاف عادت فیلسوفان در این دوره به مطالعه‌ی آثار فیلسوفان قدیم نیز می‌پرداخت. در واقع بر فکر لایب نیتس یک روح جامعیت حکمفرما بود که خود را محدود به مطالعه‌ی برخی فیلسوفان خاص نکرده بود. این طرز فکر او بود که عصر جدید را از افراط دکارتی‌ها در طرد یکباره‌ی گذشته‌ی فلسفه به حالت تعدیل بازمی‌گرداند. چرا که لایب نیتس معتقد بود حقایق را می‌توان در هر رأی فلسفی جستجو کرد و بدان رسید. این فیلسوف آلمانی عصر جدید را می‌توان از بزرگان حوزه‌ی راسیونالیسم دانست که به آسانی چهره‌ی اصلی خود را نشان نمی‌دهد. چندین عامل وجود دارد که باعث شده است نتوانیم تفسیری واحد از فلسفه او ارائه دهیم. لایب نیتس فیلسوفی دانشگاهی نبوده است و اجباری بیرونی هم برای عرضه‌ی منظم اندیشه‌هایش نداشته است. بیشتر اندیشه‌هایش به صورت یکجا و در یک نوشته‌ی واحد و مشخصی نیامده و این اندیشه‌ها در نوشته‌های مختلف او پراکنده شده است که بسیاری از این نوشته‌ها در زمان حیاتش انتشار نیافته است. حتی گاهی اهمیت بعضی از آن‌ها سال‌ها پس از درگذشت او مشخص شده است مثل آن چه کوتورا در ابتدای سده‌ی بیستم منتشر کرده یا آن چه در مکاتبات او با آرنو آمده و اهمیت نظرات لایب نیتس را نخستین بار برتراندراسل تشخیص داده است. به نظر می‌رسد آن چه برتراندراسل از آراء لایب نیتس ارائه می‌دهد قابل

^۱Gottfried Wilhelm Leibniz

قبول‌تر باشد چرا که خود راسل از فیلسوفان درجه یک به حساب می‌آید و بیشتر به مسائل، آراءها و دیدگاه‌های فلسفی مسلط بوده است. راسل در کتاب معروف خود شرح انتقادی فلسفه لایب نیتس دو تفسیر مختلف از لایب نیتس ارائه می‌دهد و او را دارای دو نوع تفکر فلسفی متفاوت می‌داند که ظاهراً این برداشت راسل از لایب نیتس به خاطر این بوده است که او در طول حیاتش دو چهره مختلف از خود نشان داده و به جای گذاشته است:

۱- تفسیر سنتی: این تفسیر لایب نیتس را فیلسوفی خوش بین معرفی می‌کند که همه چیز در جای درست خود قرار گرفته است. این تلقی از فلسفه‌ی او نشان‌دهنده‌ی آن چهره‌ی عوام پسندی بوده که برخی نظرات و عقایدش را برای خشنودی و رضایت کلیسا نوشته است. اما این تفسیر از او، لایب نیتس واقعی را نشان نداده است و فقط تصویرگر آن چهره‌ای از او بوده است که در آثار منتشر شده‌اش آمده است. این چهره مردم‌پسند او در کتاب‌های *مونا‌دولوژی و اصول طبیعی و الهی و اصل تنودیسه متجلی است*.

۲- تفسیر منطقی: در این تفسیر لایب نیتس را اسپینوزایی معرفی کرده است. این تفسیر چهره‌ی واقعی لایب نیتس را به ما نشان می‌دهد که در واقع در آن دسته از نوشته‌هایی وجود دارد که منتشر نشده است.

از نظر راسل، لایب نیتس شخصیتی محافظه کار داشته است که فقط دست به چاپ آن دسته از آثاری زده است که خوشایند کلیسا و حکومت زمان خود بوده است ولی در این نوشته‌ها چون هدفش راضی نگه داشتن قدرت حاکم بوده است اندیشه‌های واقعی خود را نیاورده است و در واقع آن اندیشه‌های واقعی را در کشوی میزش نگاه می‌داشته است. راسل بخش عمده توجه و تأکید خود را بر بخش منطق اندیشه‌ی لایب نیتس متمرکز کرده است و او را پیشگام منطق ریاضی معرفی می‌کند و به جنبه‌های دیگر فلسفه او توجهی ندارد و حتی آن بخش‌ها را بی‌اهمیت می‌شمرد. (راسل، ۱۳۸۲، صص ۳-۸)

البته راسل درباره‌ی بخش‌هایی چون مابعدالطبیعه، نظریه‌ی شناخت، الهیات و اخلاق هم در فلسفه‌ی لایب نیتس به بحث پرداخته ولی در این مسائل تناقضاتی را یافته بود که آن را حاصل دوگانگی و پنهان‌کاری در فکر او می‌دانست و به جهت همین تناقضات بود که بیشتر به منطق وی توجه کرده بود. یکی از وجوه اهمیت لایب نیتس در منطق به سبب کاری است که در منطق ریاضی انجام داده بود. او در منطق ریاضی به دنبال یافتن دستگاهی از علائم بود که این علائم مابه‌ازایی برای تصورات بسیط باشد یعنی برای هر تصور علامتی خاص وجود داشته باشد. در واقع او به دنبال نوعی الفبای فکر بشر بود تا از این راه به اختلافات فکری در فلسفه خاتمه دهد و به یک یقین نهایی که مورد قبول همگان است برسد. این خط فکری لایب نیتس در منطق ریاضی بعدها نیز توسط افرادی چون بولتسانو و فرگه و راسل تداوم پیدا کرد.

یکی دیگر از علت‌های دشواری فلسفه لایب نیتس شخصیت جامع‌الاطراف وی است. چرا که لایب نیتس در حوزه‌های مختلف علایق و تحقیقاتی بسیار وسیع داشته است و نوشته‌های فراوانی در هر حوزه از خود به جای گذاشته است. او تنها به مابعدالطبیعه و منطق علاقه‌مند نبوده است و سهم بزرگی در الهیات مسیحی، تاریخ زمین‌شناسی، تاریخ اروپا، فلسفه حقوق و غیره داشته است. او همچنین در زمان حیاتش با معاصران خود مراودات فراوانی داشته است. در اصل فلسفه‌ی او را می‌توان نماینده‌ای برای پیوند فلسفه‌های جدید و گذشته دانست که کوشیده است نحله‌های مختلف را باهم سازگار کند. بنابراین فعالیت لایب نیتس در زمینه‌های وسیع و عدم چاپ تمام آثار او باعث شده است که نتوانیم یک تفسیر واحد از اندیشه‌اش ارائه دهیم که مورد تأیید همگان باشد. در حقیقت بیشتر اطلاعات ما نیز از آراء و فلسفه ایشان هم توسط افرادی که بعد از او به بررسی آراء وی پرداختند به دست آمده است. (کاپلستون، ۱۳۸۸. الف، صص ۳۳۵-۳۳۸)

شاید بتوان گفت که توجه او به فلسفه سنتی عاملی بوده است که بتوانیم به کلیات فکر او زودتر دست پیدا کنیم. امیل بوترو فیلسوف فرانسوی از جمله کسانی بوده است که متأثر از لایب نیتس بوده است که در عین

گرایش به علوم طبیعی و عناصری از تجربه‌گرایی انگلیسی و اصالت تحصیل آگوست کنت کوشیده است در مقابل مادی‌گرایی علمی از مابعدالطبیعه دفاع کند. از نظر او ما نباید برای بررسی فلسفه لایب نیتس فلسفه‌ی او را به اجزاء مختلف تقسیم کنیم و بگوییم که کدام قسمت از اهمیت بیشتر و کدام قسمت از اهمیت کمتری برخوردار است بلکه باید مرحله به مرحله تمام آن چه که لایب نیتس گفته است را بررسی کنیم تا بتوانیم یک دیدگاه جامع از فکر او بدست بیاوریم و تمام مراحل را شرح دهیم. ظاهراً این دیدگاه او در تقابل با دیدگاه راسل است که فقط به منطق توجه کرده است و اگر ما نظر امیل بوترو را در خصوص بررسی آراء لایب نیتس بپذیریم پس این مشکل که کدام بخش از این فلسفه اساسی و مرکزی است به حاشیه می‌رود و اهمیت خود را از دست می‌دهد. بوترو ابتدا به بررسی فلسفه نظری و اندیشه‌های لایب نیتس در سه مرحله و موضوع جوهر، شناخت و خدا می‌پردازد و بعد فلسفه‌ی عملی یعنی نظرات وی را در خصوص اخلاق و دین و حقوق مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت نیز مؤلفه‌های مهم فلسفه او را که مؤثر در رشد اندیشه بوده است را بیان می‌کند که از جمله مهمترین این مؤلفه‌ها یکی تحلیلی دانستن ریاضیات است و دیگر آن که شرط وجود خیر به حساب می‌آید. پس می‌بینیم که او در بررسی و شناخت اندیشه‌های لایب نیتس هم جنبه‌ی نظری و هم جنبه‌ی عملی دیدگاه او را مورد ارزیابی قرار داده است و تأکید او بر نگاه جامع به هستی بوده است که تمام واقعیات را دربرمی‌گیرد. گوته‌فرید مارتین استاد فلسفه در دانشگاه بن آلمان نیز به تفکر درباره‌ی فلسفه لایب نیتس پرداخته است و نگاهی نقادانه به مابعدالطبیعه او داشته است و اعتقاد داشته که منطق لایب نیتس از مابعدالطبیعه آن ثمربخش‌تر بوده است چرا که مابعدالطبیعه‌ی او بیشتر با گذشته‌ی فلسفه در ارتباط است. به هر حال او علاوه بر شرح آرای منطقی به جنبه‌های مختلف مابعدالطبیعه لایب نیتس از جمله مسأله‌ی وحدت، موناها و روابط بین آن‌ها، صفات خدا و مانند این‌ها هم پرداخته است. بعضی از مفسران دیگر لایب نیتس هم این افراط در تفاسیر را رد کرده‌اند مثلاً نه تفسیر مابعدالطبیعه‌محور بوترو و نه تفسیر منطق‌محور و علم‌محور راسل را قبول نداشته‌اند و معتقد بوده‌اند که برای بررسی درست آراء و نظرات لایب نیتس باید به افکار جوانی

او مراجعه کنیم و آن افکار را با آخرین فکرهای او مطابقت دهیم. یعنی برای رسیدن به دیدگاهی درست از لایب نیتس باید آثار متقدم و آثار متأخر را با هم تطبیق داد تا بفهمیم که او همواره به چه چیزی معتقد بوده و از چه چیزی دست کشیده است. پس با توجه به روحیه‌ی دایره‌المعارفی که لایب نیتس داشته و در رشته‌های مختلف به تحقیق پرداخته است به سختی می‌توان لایب نیتس فیلسوف را از لایب نیتس ریاضی‌دان یا طبیعی‌دان جدا نمود. با وجود همه‌ی این تفاسیر مختلف امروزه تفسیری که از لایب نیتس مورد توجه بیشتر مفسران است آن تفسیری است که راسل و کوتورا بعد از انتشار آثار منطقی او ارائه داده‌اند و آن یک تصور منطقی از اوست که اصول منطقی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. (مجتهدی، ۱۳۹۰، صص ۱-۲۵) بدون شک منطق نوظهور جدید در نیمه‌ی دوم قرن ۱۹ میلادی با لایب نیتس روی کار آمد. ویرایش‌ها و ارائه‌هایی که از آثار لایب نیتس صورت گرفته بود مهمترین گام به سوی پذیرش بیشتر عقاید لایب نیتسی در میان منطق‌دانان ریاضی‌دان در اواخر قرن ۱۹ بود. به محض آگاهی آن‌ها از عقاید لایب نیتس سازگاری را در این نظام یافتند و آن را علی‌رغم وجود دیگر سیستم‌های منطقی که قبلاً برپا شده بود پذیرفتند. پس در پیدایش منطق مدرن در نیمه دوم قرن ۱۹ در ابتدا تأثیری از لایب نیتس وجود نداشت ولی با ظهور او مسیر منطق مدرن عوض شد و مورد توجه همگان قرار گرفت. (Peckhaus، ص ۲۲) اصول منطقی^۲ لایب نیتس در هیچ کتاب فارسی به تفصیل مورد بررسی قرار نگرفته است لذا هدف این رساله گردآوری این اصول و بحث مبسوط در خصوص هر یک از آن‌ها است.

۱-۲: تفاسیر مختلف از فلسفه‌ی لایب نیتس

^۲ Logical Principles

در طول تاریخ فلسفه هرگاه نظری از طرف فیلسوفی مطرح می‌گشت همواره این نظر با مخالفت‌ها و موافقت‌هایی روبه‌رو می‌شد. عده‌ای سعی بر دفاع از نظریه‌ی مطرح شده داشتند و عده‌ای آن را انکار می‌کردند و از هر فلسفه‌ای تفسیرهای بسیار مختلفی ارائه می‌شد. در ارتباط با فلسفه لایب نیتس هم ما با تفاسیر گوناگونی روبه‌رو هستیم شاید یکی از دلایل این تفاسیر مختلف به جهت این باشد که لایب نیتس تمام آراء خود را در هیچ اثری به صورت یکجا و مرتب بیان نکرده است و از طرف دیگر میان نظرات دوران جوانی او و دوران آخر زندگی‌اش تفاوت‌های زیادی وجود دارد و در دوره‌های مختلف رویکردهای خاصی را اتخاذ کرده است. مثلاً کوتورا و برتراند راسل منطق لایب نیتس را نقطه‌ی عطف تمام مابعدالطبیعه او می‌دانند و جایگاهی برجسته برای منطق قائل بوده‌اند. از نظر آن‌ها لایب نیتس بیشتر موضوعاتی را که در مابعدالطبیعه مطرح کرده است مثل جواهر فردی را بر اساس تحلیل‌ها و اصول منطقی‌اش مطرح کرده است. در نتیجه آن‌ها در فلسفه‌ی عملی او یعنی علم اخلاق و الهیات قائل به وجود تناقضاتی بودند چرا که این علوم بر اساس قواعد منطقی او مطرح نشده بود و با مقدمات منطقی مورد قبول او ناسازگار بود. در واقع بر اساس نظر راسل و کوتورا، لایب نیتس این مباحث را بیشتر به خاطر خرسندی از او و شهرتش مطرح کرده است و به همین خاطر از اخذ نتایج منطقی در این حوزه سر باز زده است. آن‌ها معتقدند که مسائلی را که واقعاً لایب نیتس به آن معتقد بوده است و جزء بهترین اجزاء فلسفه او بوده در حد نظر باقی مانده و پا به عرصه‌ی عمل نگذاشته است و در مرتبه‌ی عمل و آن جایی که به زندگی انسان مربوط است آن مسائلی را مطرح کرده است که جزء بدترین اجزاء فلسفه‌ی او به شمار می‌آمده است. (راسل، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲)

راسل همواره تلاش می‌کند که تمایز بین فلسفه‌ی عامیانه و فلسفه‌ی حقیقی او را نشان دهد. او فلسفه‌ی عامیانه‌ی لایب نیتس را واهی و سطحی و خوش‌بینانه و فلسفه‌ی حقیقی‌اش را منسجم و عمیق نشان می‌دهد. اما ظاهراً در این تمایز قدری زیاده‌روی کرده است چرا که او تمام آثار چاپ شده‌ی لایب نیتس را جزء فلسفه‌ی

عامیانه‌ی او می‌دانست و آن‌ها را به دلیل سطحی بودن رد می‌کرد حال آن‌که در آثار چاپ نشده‌ی او نیز برخی از همان مسائل و اعتقادات به صورت مشترک آمده بود پس نمی‌توانیم بگوییم که تمام آثار چاپ شده‌ی او به دلیل تحسین یا تمجید از او بوده است و با اعتقادات حقیقی او در تعارض است و این نظریات مشتمل بر هیچ اصل و دلیلی نیست. در اصل او مهم‌ترین نظرش را که به نوعی تمام فلسفه‌اش مبتنی بر آن بوده است، در نامه‌اش به آرنو مطرح ساخته است و از نظر راسل او در این نامه فلسفه‌ی حقیقی‌اش را بیان داشته است. تز اصلی راسل در شرح فلسفه‌ی لایب نیتس غلبه‌ی جنبه‌ی منطقی بر دیگر جنبه‌ها و به عبارت دیگر حاصل شدن تمام مابعدالطبیعه از بخش منطقی است. به فاصله کمی بعد از تفسیر راسل از فلسفه‌ی لایب نیتس شخص دیگری بنام لوئی کوتورا هم به شرح و بسط فلسفه‌ی او پرداخت. کوتورا و راسل با این که کاملاً جدا از یکدیگر کار کرده بودند ولی مفسران بعدی میان نظرات آن دو درباره‌ی فلسفه‌ی لایب نیتس مشابهت‌هایی یافته بودند. هر دوی آن‌ها در تفاسیرشان تأکید بر جنبه‌ی منطقی داشته‌اند و کوتورا نظر خود را درباره‌ی فلسفه‌ی لایب نیتس در کتابی با عنوان *منطق لایب نیتس* منتشر کرد. البته همه‌ی مفسران لایب نیتس فقط به جنبه‌ی منطقی و یا مابعدالطبیعی اندیشه‌ی او نظر نکرده‌اند از جمله ژان باروزی جزء کسانی به حساب می‌آید که لایب نیتس را متفکری با صبغه‌ی فکر دینی می‌دانسته است که شوق عظمت و جلال خداوند بیشتر از هر چیز دیگری به او روح و نشاط می‌بخشیده است. در حقیقت او را بیشتر از این که یک فیلسوف بدانند متفکر دینی دانسته است. (کاپلستون، ۱۳۸۸، الف، ص ۳۴۳)

کونوفیش در تفسیرش از لایب نیتس در او روح نهضت روشنگری را می‌بیند. چرا که لایب نیتس قائل به نوعی عقل‌گرایی ایده‌آلیستی بوده که وجود واقعی اشیاء مادی را نمی‌پذیرد و اشیای مادی را چیزی جز وهم نمی‌پندارد. او برخلاف دکارت و اسپینوزا وجود جوهر جسمانی را رد می‌کند و جهان هستی را در عین تنوع هماهنگ می‌بیند. در واقع لایب نیتس با ترکیب جنبه‌های مختلف عصر عقل می‌خواسته است در عالم